

## آغاز ترجمه کتابهای فرنگی به فارسی\*

بر دوستداران حمید عنایت آشکار است که آن دانشمند نادره پرداز زندگی فرهنگی خود را با ترجمه کردن آغاز کرد. سیاست ارسطو و عقل در تاریخ نگاشته هگل دو نمونه برجسته و ماندگار است از آنچه به قلم متین و استوار او در زبان فارسی شناخته شده و در روزگاران دراز بهره یافتنی خواهد بود. به همین مناسبت است که در این محفل دانشگاهی که به یاد اوست، شمه ای درباره آغاز شدن ترجمه متون فرنگی (اروپایی) از زبانهای انگلیسی و فرانسه و آلمانی و روسی و یا آنچه مع الواسطه از ترجمه شده های به زبانهای عربی (مخصوصاً در مصر) و ترکی و ندره اردو به فارسی ترجمانی یافته است به عرض می رسانم تا مگر نموداری باشد از جریان فرهنگی ناشی از انتقال و انتشار ترجمه ها در زبان فارسی.

منابعی که برای وصول به این مقصود می شناسم به جز کتابهای ترجمه و چاپ شده بیش و مهمتر از همه فهرستهای نسخه های خطی ست و آن هم فهرستهای نسخه های خطی بعضی از کتابخانه های ایران. کتابخانه های اروپایی مانند بریتیش موزیم، ملی پاریس، دولتی برلین، ایندیا آفیس، بودلیان و جز اینها که کمتر به گردآوری نوشته های قرن نوزدهم، آن هم ترجمه ها علاقه مند بوده اند، معمولاً از داشتن نسخه ترجمه های قرن سیزدهم هجری / نوزدهم میلادی عاری اند.

شاید بتوان کتاب حوادث نامه را که از ترکی به فارسی در سال ۱۲۲۲ ترجمه شده بود

\* سخنرانی در مراسم سالگرد درگذشت دکتر حمید عنایت، در The Middle East Center وابسته به کالج سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد (۸/۱۹۹۷).

نخستین کتاب مترجم دانست.<sup>۱</sup> این کتاب ترجمه محمد رضی تبریزی و درباره جنگهای میان ناپلئون با نمچه (=نمسه، یعنی اطیش) و روسیه در سال ۱۲۲۰ قمری ست و آن ترجمه به عباس میرزا نایب السلطنه اهدا شده است.

پس از آن احتمالاً تاریخ اسکندر که در سال ۱۲۲۸ توسط شخصی انگلیسی به نام جیمز کمبل به فارسی درآمد دومین کتاب شناخته شده مترجم است و آن متن هم برای عباس میرزا به ترجمه رسیده و مترجم مذکور از کسانی ست که در دستگاه دولتی تبریز خدمتگزار بوده است.<sup>۲</sup>

جای گفتگو نیست که نخستین گام استوار و اساسی در ترجمه متون اروپایی توسط خود ایرانیان و بی واسطه ای از آن زبانها به دست دو گروه از تحصیل کردگان اعزام شده به انگلستان به دستور عباس میرزا برداشته شد (بار اول دو نفر در ۱۸۱۱- بار دوم پنج نفر در ۱۸۱۵). این تحصیل کردگان چون به ایران باز گشتند بالطبع ناقل عملی و ترجمه ای و کتابتی معارف جدید فرنگ شدند. از آن میان مهندسی به نام میرزا رضا تبریزی بود که در امور قلعه سازی و سنگر بندی و دیگر مسائل نظامی درس خوانده و از گروه پنج نفری بود و بنا به ذکر اعتماد السلطنه در ۱۲۹۹ قمری فوت کرد<sup>۳</sup> و بیش از همراهان دیگر به کار ترجمه پرداخت. ترجمه او از تاریخ پطر کبیر و تاریخ ناپلئون مشهور و نسخ متعددی از آن باقی ست. خلاصه الحساب میرزا جعفرخان مشیرالدوله را که یکی دیگر از آن پنج نفر بود نیز در شمار ترجمه ها باید در آورد از این روی که آن متن به روش اروپایی در تألیف کتب حساب است. میرزا رضا و میرزا جعفر در سال ۱۲۳۵ به ایران مراجعت کردند و بنا بر این ترجمه های آنان علی القاعده دو سه سالی پس از این تاریخ انجام شده است.

اعزام هفت محصل نخستین در عهد نایب السلطنه و همچنین پنج محصل گروه سوم در روزگار محمدشاه به سال ۱۸۴۵ به ممالک اروپایی نشانه روشنی ست از این که مصادر امور ایران متوجه ضرورت دستیابی به معارف و علوم جدید اروپا بودند و بعضی از این تحصیل کردگان را پس از عودت واداشتند که متونی را از زبانهای اروپایی به ترجمه در آورند. سفر و ترجمه همیشه دو وسیله عمده انتقال دانش و فکر بود. ایرانیان هم با پیشامد جنگهای خود با روسیه برای اخذ تمدن اروپایی از این دو وسیله استفاده کردند. همچنین کتاب اروپایی را از فرنگ برای ترجمه می خواسته اند. حاجی میرزا آقاسی در نامه خود به سفیر ایران در پاریس نوشته است: «کتب قدیمه و جدیده در صنایع حربیه یا علوم دیگر اکتیاع کرده بیاورید»<sup>۴</sup>.

این جا مناسبت دارد گفته شود که سرجان مالکلم در تاریخ ایران نکته ای مبهم و

بی سند نوشته است که مختصری از قواعد کوپرنیکس با شرح نیوتن به فارسی ترجمه شده بود و او احتمالاً آن کار را موجب ترقی افکار در آن اوقات دانسته است. ولی در مآخذ ایرانی و نسخه های خطی شناخته شده این ترجمه دیده نشده است. مالکلم قطعاً این مطلب را در ایران یا در هندوستان شنیده بوده و نقل کرده است.<sup>۵</sup>

اگر بخواهیم سالی را به طور تخمین برای آغاز ترجمه متون اروپایی توسط ایرانیان تعیین کنیم حدود سال ۱۲۴۰ قمری خواهد بود و چون در این گفتار قصد بر آن است که بررسی به پایان سلطنت ناصر الدین شاه محدود باشد بنابراین دوره ای نزدیک به هشتاد سال در بر گرفته می شود. به طور اشاره و محض اطلاع اجمالی از روزگاران پس از آن باید گفت که ترجمه چهار مرحله متمایز دیگر را در دنبال داشته است.

۱- از زمان تأسیس مدرسه علوم سیاسی در سال ۱۳۱۷ قمری تا تشکیل کمیسیون معارف در سال ۱۳۰۱ شمسی. مترجمان مشهور این دوره از قبیل محمدعلی ذکاءالملک، یوسف اعتصام الملک بوده اند.

۲- از زمان تأسیس کمیسیون معارف تا تأسیس دانشگاه تهران.

۳- از زمان تأسیس دانشگاه تهران (۱۳۱۳ شمسی). در این دوران به ملاحظه آن که بسیاری از متون تدریسی ترجمه بود و توسط چند دوره محصل اعزامی از دوره های مظفری و بالاخره رضاشاهی تدریس می شد. این دوره به چند سالی بعد از پایان جنگ جهانی دوم که خاص فعالیت نیروهای چپ بود خاتمه می گیرد.

۴- از زمان تأسیس بنگاه ترجمه و نشر کتاب و مؤسسه انتشارات فرانکلین تا کنون.

از این مقدمه و مطالب کلی که ضروری بود می گذریم و وارد گفتار امروز درباره جریان و وضع ترجمه در دوره هشتاد ساله میان نایب السلطنگی عباس میرزا تا قتل ناصرالدین شاه می شویم. این دوره را می توان خود به دو مرحله تقسیم کرد. یکی دوره ای ست سی ساله که از زمان ترجمه های میرزا مهندس تبریزی در تبریز آغاز می شود و به فعالیت مدرسه دارالفنون (حدود سال ۱۲۷۰) منتهی می شود. دیگر دوره ای ست که عمده کارهای ترجمه ای توسط معلمان و مترجمان مدرسه دارالفنون وابسته به وزارت علوم و دائره دارالترجمه وزارت انطباعات انجام می شد.

سابقه ترجمه کردن کتاب از زبان عربی به زبان فارسی و شیوه و سبکی که در طول مدت بیش از یک هزار سال در آن کار میان ایرانیان رواج داشت عامل مهم سنتی در کار ترجمه بود که در ترجمه های نخستینه از زبانهای اروپایی به فارسی نیز تأثیر خود را بخشید. مترجمان برای آن که خوانندگان پی به مطلب ببرند و نوشته به زبان مفهوم و به تداول

عمومی باشد می‌کوشیدند که تعابیر و اصطلاحات اروپایی را به تعابیر و اصطلاحات زبانزد ایران بدل کنند. همه مترجمان دوره‌های عباس میرزا و محمدشاه و ناصرالدین شاه پیروی از راه و روش پیشینیان را قطعی و ضروری دانسته بودند. این راه و روش پایبندی به مفهوم بودن عبارت بود نه آن که ترجمه مطابقت کامل لفظی با متن داشته باشد. به عبارت دیگر ترجمه‌های آزاد مطلوب بود.

البته بسیاری از ترجمه‌های قرآن هست که کلمه به کلمه است و معنی فارسی هر کلمه بین السطور در زیر کلمه نوشته می‌شد. ولی در ترجمه‌های متون دیگر مترجم آن طور که مناسب می‌دانست از عبارتی صرف نظر می‌کرد و در جایی که ضرورت می‌دید از آوردن شعر یا مثلی که می‌توانست جایگزین مطلب اصلی باشد خودداری نداشت. تمام کوشش بر مفهوم بودن عبارت بود و نوشته را با بیانی صناعی که موافق مذاق و سیاق ایرانیان بود می‌آراست.

ترجمه‌های دوره قاجاری عموماً بر این میزان و منوال است. حتی مترجمان در متون ادبی جایز می‌دانستند که برای آسان خوانی نامهای اروپایی را به نامهای ایرانی بدل کنند. مثال خوبی از آن ترجمه «خاطرات یک خر» (*memoires d'un ane*) از کتس دوسگور فرانسوی است که اعتمادالسلطنه به ترجمه درآورد و اسامی را به اسامی ایرانی منقلب کرد و مقداری شعر و مثل و تعبیرات خاص فارسی در آن وارد ساخت. مجتبی مینوی درباره آن مقاله‌ای خاص دارد.<sup>۱</sup>

دو شاهکار ادبی ترجمه که مترجمان همین روش را به کار برده و دو ترجمه جاویدان عرضه کرده‌اند یکی ترجمه هزار و یک شب از عبداللطیف طسوجی است که در زمان محمدشاه از عربی به فارسی درآمد و دیگر حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه است که میرزا حبیب اصفهانی متخلص به داستان آن را پیش از سال ۱۳۰۴ قمری از روی ترجمه فرانسوی آن کتاب به فارسی ترجمه کرد. و البته میرزا حبیب ترجمه ممتازی هم از سرگذشت ژیل بلاس نوشته آلن رنه لوساژ (A.R. Lesage) انجام داد که دست کمی از ترجمه حاجی بابای اصفهانی ندارد ولی چون سرگذشت مذکور مرتبط با ایران نبوده نتوانست رواج کامل پیدا کند و طبعاً شهرت حاجی بابا را کسب نکرده است.

این هر دو استاد فن صاحب ذوق و چیره دست در ادب فارسی توانسته‌اند جای جای شعر و مثل را بر متن مترجم بیفزایند و یا تعبیراتی را به جای متنهای اصلی بیاورند که گویای مضمون باشد اگرچه مطابقت لفظی و بیانی ندارد. مجتبی مینوی و جمال زاده در دو تحقیق جدا جدا شمه‌ای درباره ترجمه حاجی بابا بیان مطلب کرده‌اند.<sup>۲</sup>

در این دوره بسیاری از ترجمه‌ها به طور مع‌الواسطه انجام شده یعنی از زبان اصلی نیست. نمونه همین حاجی بابای اصفهانی است. عده‌ای از کتابهای علمی از ترجمه‌های ترکی یا عربی به فارسی ترجمانی می‌یافت که ذکر آنها را در فهرست تهیه شده به منظور نشان دادن وضع کلی ترجمه و نام مترجمان آورده‌ام تا اگر این گفتار بخواهد موقعی چاپ شود آن لیست در دست باشد.

زمانی که اعتمادالسلطنه در چهلمین سال سلطنت ناصرالدین شاه کتاب المآثر و الآثار را تألیف کرد تعداد مترجمان از زبانهای اروپایی زیاد شده بود و علاقه مندان دستیابی به زبانهای اروپایی تعدد می‌یافت. متن مطلبی که اعتمادالسلطنه در این موضوع نوشته چنین است:

خوض در تعلیم و تعلم السنه مختلفه و لغات شتی که مفناح اطلاع از فنون و علوم و صناعات و رسوم امم است مقدمه مرابطه و مراودات با دول و ملل عالم: علم لغت فرانسه، علم لغت انگلیس، علم لغت روس، علم لغت آلمان.<sup>۱</sup>

ناصرالدین شاه خود به اهمیت دانستن زبان آگاه بود و چون مرد ادب شناس و علاقه مند به تاریخ و جغرافیا بود کمی فرانسه یاد گرفته بود و جز آن بنا به مذکورات خاطرات اعتمادالسلطنه گاهی روسی و آلمانی درس می‌گرفت و می‌خواست است که این دو زبان را بیاموزد. عده‌ای از شاهزادگان هم زبانهای خارجی را می‌آموختند و در ترجمه آثاری دارند که حکایت از علاقه مندی آنها دارد. فرهاد میرزا معتمدالدوله در این مرحله حتی کتاب نصاب انگلیسی به شعر فارسی دارد. علی بخش میرزا نوه فتحعلی شاه، محمد طاهر میرزا (ایضاً)، عبدالحسین میرزا پسر طهماسب میرزا مؤیدالدوله، حسینقلی عمادالسلطنه پسر عزالدوله (برادر ناصرالدین شاه) از آن زمره اند.

در این دوره عده‌ای از متون علمی، فنی، پزشکی برای تدریس تألیف شده است. اما در حقیقت همه این متون ترجمه‌هایی است از اصلهای اروپایی اگرچه ممکن است یک کتاب تألیفی ترجمه‌ای باشد از چند پاره کتاب. تردید نیست که هنوز تعداد آن گونه کتب در زبان فارسی چندان متعدد و متنوع نبود تا کسی بتواند از راه تلفیق به تألیف کتابی برسد. چاره‌ای جز ترجمه نبوده است. مثال بارز نکته‌ای است که اعتمادالسلطنه درباره دو کتاب اساسی تعلیماتی آن دوره نوشته است.

درباره هندسه وسطی و علیاً تألیف نظام الدین مهندس الممالک غفاری از تحصیل کردگان دوره ناصری در اروپا می‌نویسد: «از روی کتب معتبره صنایع اساتید ممالک اروپا به فارسی ترجمانی کرده است».<sup>۱</sup>

همان جا در معرفی کتاب هیأت تألیف عبدالغفار نجم الملک گفته است «هم از روی کتب معتبره اروپائیه به لغت فارسیه مترجم داشته است».<sup>۱</sup>

مترجمان از چند لغتنامه ای استفاده می کردند که در هندوستان برای زبان انگلیسی به فارسی و در فرانسه برای زبان فرانسه به فارسی نوشته شده بود. ولی چون در ایران هم ضرورت تهیه کتاب لغت و زبان آموز مشهود بود، تألیف فرهنگ دوزبانه مرسوم شد. نمونه جالب توجه فرهنگی ست فرانسه به فارسی که در سال ۱۲۹۶ قمری جلد اولش در تهران انتشار یافت (Dictionnaire Manuel Francais-Persan) و بنا به مقدمه ای که به قلم اعتمادالسلطنه بر آن نوشته شده مجموعه لغتهایی ست که ناصرالدین شاه خود «تألیف و تصنیف» کرده است. به همین ملاحظه مناسبت دارد عباراتی از این مقدمه را بشنوید:

از آن جا که در پیشگاه ضمیر منیر مقدس محقق است که علم و دانستن زبان فرانسه از برای معاشرت و مرابطه با دول و تحصیل علوم جدیده نهایت مفید می باشد بنا بر مرحام و الطاف ملوکانه قصد فرمودند که تحصیل این زبان را در میان رعایای خود منتشر و معمول نمایند و خود به نفس نفیس همایون بذل مجاهدت فرموده مجموعه ای از لغات معموله کثیرالاستعمال فرانسه را جمع و معانی آنها را به زبان فارسی نگاشته بعبارة اخیری کتاب لغتی جامع از فرانسه به فارسی تألیف و تصنیف فرمودند.

البته در پایان این مقدمه گفته شده است که لغتنامه مذکور در مجمعی از دانشمندان زبانهای عربی و فارسی و ترکی به ریاست شخص اعتمادالسلطنه به بررسی و رسیدگی علمی درآمده است. بد نیست چند کلمه از آن را به طور مثال نقل کنم:

پشت سر هم، متعاقب، به نوبه	alternative
حرص، بلند پروازی، علوهمت، طلب تسلط	ambition
ممکن العزل، بیدوام	amovible
بی نظمی در حالت نبودن حکومت	anarchie
شهادت نامه، تصدیق نامه	attestation
سکندری رفتن، تیق زدن، تقصیر کردن	chopper
خوردن، بلعیدن، هرزه خرجی کردن، استعمال کردن	consumer

به اجمال گفته شد که در ترجمه های نخستین کوشش مترجمان بر آن بود که از سبک نثر فارسی رایج دور نشوند و به هیچ وجه تحت تأثیر عبارت بندی زبان خارجی نباشند طبعاً از حیث استعمال واژگان هم مصطلحات معمول وقت را به کار می گرفتند که البته غالب آنها اکنون به نظر ما نامناسب می نماید. چند مثال از چند کتاب می آورم تا مطلب شکافته شود:

در ترجمه کتابی در احوال ناپلئون از رضا مهندس تبریزی (در ۱۲۵۲) می خوانیم:  
 مورخین نوشته اند که ناپلیون از بدو تمیز و رشد در فهم علوم و درک رسوم مصر و مبرم بود.  
 فی الحقیقه برای انسان بالاتر از این صنعتی و مکتبی نخواهد بود.<sup>۱۱</sup>  
 عبارت ابهامی ندارد اما به اندک توجهی ملاحظه می شود که مترجم تحت تأثیر سبک  
 ادبی و بلاغی زبان فارسی در قبال «فهم علوم»، آوردن «درک رسوم» را مناسب دیده و  
 به جای «هنر» لفظ صنعت را آورده است. من نمی دانم مترجم کدام متن انگلیسی را در  
 دست ترجمه داشته تا بتوان ترجمه را با آن مقابله کرد ولی مسلم است که «فهم علوم و درک  
 رسوم» کاملاً سبک و سیاق ادبی فارسی دارد.

مثال دیگر این عبارت است از تاریخ فردریک دوم ترجمه محمد حسین قاجار در ۱۲۸۵:  
 نیز باید از ترقیات صنعت حرابه و علم و آداب آن و از کار پولیطیکیه چشم  
 در پوشیده ناامید بود و بر این که ما را از کار آنها یک نوع مردیتی حاصل شده  
 کمالیتی دست دهد.<sup>۱۲</sup>

در این ترجمه کلمات حرابه و پولیطیکیه به مرسوم زمان در متابعت قاعده زبان عربی  
 به تأنیث آمده و عجب نیست. اما از استعمال کلمه مردیت و کمالیت می توان تعجب کرد و  
 آنها را نه تنها نامناسب بلکه ثقیل دانست. و باید دانست که در آن زمان این گونه کلمه  
 سازی مرسوم شده بود و توجهی به آن نداشتند که از قاعده به دور است و اولی غلط.

برای رعایت مفاهیم مرسوم میان ایرانیان مترجم ناگزیر بوده است که اصطلاحات  
 متداول در زبان فارسی را بیاورد. مثالش آوردن کلمه رعایا به جای مردم و اهالی است که در  
 دوره قاجاری مصطلح بود و دیدیم که در مقدمه اعتماد السلطنه بر «لغتنامه فرانسه به فارسی  
 آمده بود و در مثال دیگر این است یکی در ترجمه ناشناسی از جنگ آلمان و فرانسه:

پس از آن که اهالی قدیم رومن طایفه شاهزادگان هوهن اشتوفن را مضمحل نموده و مملکت آلمانی  
 را ویران نمودند باز رعایای این مملکت به زیر سایه طایفه شاهزادگان هوهن سولرن روزگار  
 می گذرانیدند.<sup>۱۳</sup>

اما در این عبارت تعبیر «زیر سایه» هنوز میان ما ایرانیان رواج دارد و غالباً دوستان  
 به یکدیگر خطاب می کنند یا کهتری به مهتری.

کلمه رعایا را از جمله در ترجمه قانون نظام روس (ترجمه زین العابدین منشی) که  
 به دستور اعتضاد السلطنه وزیر علوم انجام شده است دیدم. نوشته است:

اظهار می داریم به همه رعایای باوفای خودمان در توجه دائمی و خوبی دولت خودمان و قرار مدارات  
 خوبی که مجری شده است.<sup>۱۴</sup>

از نمونه های کلمات ثقیل «ابدالمدت» به جای دائمی در این عبارت از کتاب جنگ آلمان و فرانسه :

معرفت او به اختراعات در صنایع و در علوم در هزار هزار قلوب، ابدالمدت یاد خواهد ماند.<sup>۱۳</sup>  
حتی در ترجمه روان و بی تعقید اوانس خان از کتاب ایران و ایرانیان تألیف بنجامین اولین سفیر امریکا در ایران که در سال ۱۳۰۵ به فارسی درآمد کلمه متشعشع دور از زیبایی و سنگین می آید، در این عبارت :

در طرف دست راست، سلسله ای از تپه های بلند آسیای صغیر با گردنه های متشعشع از اشعه آفتاب و مزین از نبات و گیاه دائمی مشهود بود.<sup>۱۴</sup>

اگر مترجم به سادگی به جای متشعشع نورانی و به جای مزین پوشیده گذاشته بود عبارت با آنچه امروز به ترجمه در می آید تفاوتی نداشت.

مثال در این موارد بسیار می توان نقل کرد و چون گفتار دامنه می یابد این صحبت را با ترجمه ای از اعتمادالسلطنه خاتمه می دهیم. در ترجمه روبنسن سوئسی نوشته است:

شش روز علی التوالی لیل و نهاراً کشتی در چار موجه طوفان و به وزیدن بادهای سخت منقلب الارکان بود.... چشم در راه منتظر لطیفه غیبی و نصرت خداوندی بودند چنانچه گویا از تمام اعضا و اندام به زبان حال یاری و انتصار از حضرت باری مسألت می نمودند.

عبارت اگرچه ممزوج به لغات عربی ست ولی کاملاً مفهوم است و از حیث سبک و اسلوب مطابقت کامل دارد با نوشته ادیبی ایرانی که اصلاً با زبان خارجی آشنایی نمی داشته است. در حالی که اعتمادالسلطنه مسلط به زبان فرانسه بود و روزانه با خارجیانی که در ایران سکنی داشتند مراوده داشت.

در قبال آن گونه ترجمه ها، مترجمانی هم بوده اند که ساده نویسی را می پسندیده اند و من سه مورد را بیش نمی آورم که از درازی سخن بکاهم.

علی محمد مستوفی عضو دایره انطباعات در ۱۳۰۸ در ترجمه کتابچه جنگ سودان نوشته است:

با این حالت حکومت مصر پلتیک حزم پیش گرفته برای خاموش کردن آتش فتنه و شورش سودان به تدبیر صواب پرداخت... فواید این کار در تسکین حرکات و اسکات نعره و فریاد اهل شورش... روز به روز ظاهرتر و بیشتر می گردد.<sup>۱۵</sup>

در این عبارت اگر به جای پلتیک حزم «سیاست احتیاط» آورده شود جمله کاملاً امروزی ست.

دیگر عبارتی ست از محمد علی تبریزی شارژ دفر ایران در لندن به سال ۱۲۸۰ قمری که



تصور می‌کنم همان علاء السلطنه رئیس الوزرای سالهای بعد و پدر حسین علاء باشد. او ترجمه ای از متنی فرانسوی در علم نظام و جنگ فراهم می‌سازد که این عبارتش مورد نظر است.

یک صاحب‌منصب زیرک و باهوش و کار دیده که از نکات و رموز فن خود وقوف داشته باشد در ترسیم نقشه این جنگ به حسب ندرت از مقتضای حالت تخلف می‌کند. اما صاحب‌منصبی که این وقوف را نداشته باشد راهنما بودن و تقاضای وقت هم برای او بی‌ثمر است.<sup>۱۶</sup>

عبارتی دیگر را از اوانس خان می‌آورم، از ترجمه او از کتاب ایران و ایرانیان بنجامین:

نصیرالدوله متغیر شده گفت چرا راه مرا مسدود کردی تو که بیشتر از یک الاغدار نیستی. الاغدار فوراً جواب داد من هم مثل تو حق دارم که از این راه عبور کنم. من آدمی هستم که خر می‌رانم و شما خری هستید که آدم می‌رانید. نصیرالدوله از این جواب جسورانه مناسب الاغدار به قدری خوشش آمد که به نوکرهای خود امر نمود به الاغدار کاری نداشته باشند.<sup>۱۷</sup>

ضبط اسامی خارجی به تلفظ صحیح آنها از نکته‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد. در ترجمه‌ها دیده می‌شود که اسامی خاص معمولاً یکنواخت نیست. مترجم تحت تاثیر زبانی که متن را از آن زبان به ترجمه درآورده اسمهای خاص را نقل می‌کرده است و گاه به تلفظ نادرست مضبوط ساخته است و بالمآل وحدت ضبط در ترجمه‌ها رعایت نشده. چند مورد را به طور مثال از ترجمه‌هایی که دیده‌ام می‌آورم و تفصیل زیاد را در این باره ضرور نمی‌دانم.

در نامهای اشخاص: غلیوم به جای گیوم یا ویلهلم - آفت به جای آگوست .

در نامهای جغرافیایی: کرتج به جای کارتاژ - بولنی به جای لهستان - اوسترالی به جای

استرالیا، آلمانی به جای آلمان - اسپانیول بجای اسپانیا - کلومبی بجای کلومبیا .

در کلمات: دزمبر بجای دسامبر یا دیسمبر - هرلد بجای هرالد (Herald) - کمسیون

به جای کمسیون (Comission) - با طالبون بجای با طایون

از نکته‌های دیگری که در بعضی از ترجمه‌ها دیده می‌شود شیوه سنتی نامگذاری

عنوان کتاب است. چنان که دیدیم اعتماد السلطنه نام کتاب خاطرات یک خر را، الحمار

یحمل اسفاراً یا منطق الحمار گذاشت. محمد زکی علی آبادی مترجم تاریخ عثمانی تألیف

هامر پورگشتال که آن را از ترجمه فرانسوی آن به فارسی درآورد نام کتاب را ظاهراً

به مناسبت آن که پادشاهان عثمانی سلطان نامیده می‌شدند سلطان التواریخ گذارد.

از مثالهای دیگر چند تا یاد می‌شود:

- پزشکی تألیف پولاک ترجمه حکیم الممالک به نام زبده الحکمه .

- کحالی تألیف کالزوسکی ترجمه محمد خان کفری به نام ضیاء الناظرین .
- پزشکی تألیف پولاک ترجمه محمد حسین افشار به نام علاج الاسقام .
- Livre d'or به نام اسرار الوجود .
- زمین شناسی از فیگیه ترجمه محمد تقی کاشانی به نام تذکرة الارض .
- اصول مشق توپ ترجمه رضا مهندس تبریزی به نام صواعق النظام .

با آوردن این مثالها نباید تصور شود که در دوره ناصری توجه منحصرأ به برگردانی کتب علوم و یا تاریخ بوده است. خیر از این دوره از ترجمه آثار فکری و فلسفی و ادبی نیز اطلاع داریم و می دانیم که رساله دکارت درباره روش به کار بردن عقل (*Discours de la Methode*) به معرفی کنت دو گوینو وزیر مختار فرانسه در ایران و به ترجمه العازار یهودی معروف به ملالاله زار ترجمه و نشر شد.<sup>۱۸</sup> جز آن ترجمه دو کتاب از ولتر را دیده ام یکی ترجمه *L'orphelin de la Chine* توسط اوانس خان و دیگری شاهزاده بابل (*la Princesse de Babylon*)، رساله آزادی استوارت میل به نام «منافع حریت» ترجمه شده و از ژول سیمون فرانسوی رساله ای فلسفی به نام زمین و زمان به ترجمه درآمده که نمی دانم گردانیده از کدام تألیف اوست. گفتاری از میرابو، تنزل و انحطاط دولت روم تألیف مشهور ادوارد گیبون *Decline and Fall of the Roman Empire* (ترجمه همان رضا مهندس تبریزی در سال ۱۲۴۸ از اولین محصلهای اعزامی به لندن)، گزارش مردم گریز که ترجمه نمایشنامه مشهور مولیر به نام *misentrophe* است (مترجم آن میرزا حبیب اصفهانی یعنی همان کسی است که حاجی بابا را ترجمه کرد. او در ترجمه میزا نتروپ کوشیده است که چیزی بر آن نیفزاید و ترجمه را مناسب صحنه گردانی بیاراید با وجود این گاهی مصارح مناسب از اشعار فارسی را جانشین عبارت فرانسوی کرده است). البته چندین رمان از الکساندر دوما (پدر و پسر) نیز ترجمه شده است.

بیش از هر رشته ای، توجه ناصرالدین شاه و ظل السلطان و دیگر علاقه مندان به آگاهی از غرب متوجه کتب تاریخ و سرگذشت سلاطین و مقداری به متون جغرافیایی و مخصوصاً سفرنامه ها بود. کتابهایی که در این زمینه ها بازمانده به نسبت متعددتر است از رشته های دیگر و ترجمه احوال (*biography*) اسکندر، فردریک، ناپلیون، الکساندر روس، نیکلا، نرون، کاترین، لونی، ۱۴، هانری چهارم، طالیران از آنهاست که بعضی به ترجمه درآمده و بعضی برای شاه کتابخوانی می شده است.

در کنار این گونه کتب ترجمه اخبار و بعضی گزارش احوال جهان و مقالات مربوط به اختراعات و اکتشافات هم رواج داشت و نمونه های زیادی از آنها را می بینیم که

به صورت خطی بازمانده و قسمتی هم در جراید دوره ناصری (ایران، اطلاع، دانش) به چاپ رسیده است مانند مسافرت قطب شمال در ۱۸۶۰ که در روزنامه ایران (شماره ۱ تا ۱۳۲) چاپ شد. اعتمادالسلطنه انتشار آن را از این لحاظ مناسب دیده که «متضمن نکات حکمت و دقایق تجربت و اندرز و نصیحت است».<sup>۱۹</sup>

ترجمه کردن نوشته هایی که گویای وضع طبیعت و عجائب مربوط به سرزمینهای مختلف می بود در دوره ناصری با رغبت و به کثرت انجام شده است. به طور مثال وقتی چاپ ترجمه سفر قطب شمال در روزنامه ایران به پایان می رسد ترجمه رحله ابن بطوطه (از عربی) آغاز می شود.<sup>۲۰</sup> اعتمادالسلطنه ظاهراً این گونه کتب را به مناسبت میل و علاقه ناصرالدین شاه به طبیعت و کوه گردی و سفر که سالی حداقل یک صد و پنجاه روزش را دور از شهر طهران می گذرانید و هفته ای سه چهار روز بر پشت اسب به گشت و گذار و شکار می پرداخت، انتخاب می کرد و به ترجمه می رسانید. شاه علاقه مند بود که مسافرت نامه ها و جریانهای مربوط به حوادث طبیعی را بخواند. ترجمه سفرنامه های چین، استرالیا، آفریقا، مالزی، ترکستان، رساله علمی زلزله ها و آتش فشانها (ترجمه علیقلی کاشانی که در روزنامه ایران چاپ شده است) چند عنوان است از میان کتابهای ترجمه شده در آن دوره. حتی بنا بر نوشته اعتمادالسلطنه شاه از ۲ رمضان ۱۲۹۸ تا ۱۴ محرم ۱۲۹۹ (حدود پنج ماه) بعضی از روزها به تحقیق و تألیف جغرافیا مشغول می شد. اول بار می نویسد «امروز شاه میل کردند ژغرافی تألیف فرمایند».

داستان روبنسن سوئسی (*Le Robinson Suisse*) که رمانی ست نوشته Johann David Wyso به قلم اعتمادالسلطنه ترجمه و در روزنامه ایران منتشر شد بیشتر از این باب بود که ضمن داشتن صحنه های دریا و جزیره و طبیعت متضمن نکات نصیحتی و حکمتی بود. اعتمادالسلطنه می نویسد:

بر ارباب دانش پوشیده نیست که پیوسته حکما و دانشمندان کلام حق را در لباس هزل بیان کرده و تلخی قول صدق را به حکایات بی اصل چاشنی داده اند که خواننده رشته داستان را گرفته به اختتام حکایت تعجیل کند... اشارات و بیانات این حکایت همه متضمن دقایق اخلاق حمیده و خصایل نیکوست و در آداب معاشرت و ترک رذایل افعال، به زبان کودکان نصایح خوب دارد.

موضوعهای ترجمه ها متنوع است. از جدولی که تهیه کرده ام و حاوی نام حدود یک صد و سی مترجم و بیش از پانصد عنوان کتاب ترجمه شده است چنین می فهمیم که در زمینه های نظامی، تکنیک (از جمله عکاسی، تلگراف، کشاورزی)، پزشکی، زمین شناسی، فیزیک و شیمی، جغرافیا، تاریخ، حقوق، ادبیات و کتب تفننی ترجمه

می کرده اند.

حتی در رشته مطالعات ایرانی هم کتابهایی مانند تألیفات راولینسن، سرجان مالکلم، مارخام، کلنل لوات، مادام دیولافوا، بنجامین وزیر مختار امریکا در ایران به فارسی نقل شده است.

مترجمان از طبقات مختلف بودند. آنها زبان خارجه را یا در خارج از ایران آموخته بودند و یا از کسانی بودند که در مدرسه دارالفنون تحصیل می کرده اند و زبان را به درستی و توانایی می آموخته اند. از افراد ملل متنوعه (ارمنی، آسوری، یهودی) نیز در ترجمه استفاده می شد، همان طور که از بعضی خارجیان مقیم ایران (مانند ژول ریشار- بارون نرمان در عصر ناصری).

اغلب کسانی که به طور رسمی کارشان مترجمی بود در این چهار دستگاه دولتی خدمت می کردند: دارالترجمه همایونی که قسمتی بود از وزارت انطباعات، مدرسه دارالفنون، وزارت خارجه، دستگاه حکومتی ظل السلطان در اصفهان. این پسر ناصرالدین شاه برخلاف برادرش (مظفرالدین میرزا ولیعهد که در تبریز بود) به ادبیات و تاریخ دلبستگی داشت و عده ای از ادبا و مترجمان را به کار ترجمه گماشته بود مانند محمد تقی انصاری کاشانی حکیم و میرزا محمود خان افشار کنگاوری که هم مترجم بودند و هم روزنامه فرهنگ را منتشر می کردند. در دوره ناصرالدین شاه (به مانند روزگاران شاهزادگان تیموری که در سمرقند، هرات، شیراز می زیستند) تعدادی از شاهزادگان به دنیای علم و ادب رو آوردند و کتابخانه هایی در خانه خود داشتند و بعضی از آنها شخصاً هم به تألیف و ترجمه می پرداختند مانند بهاءالدوله، محمد ولی میرزا، علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، فرهاد میرزا معتمد الدوله، طهماسب میرزا مؤیدالدوله، خانلر میرزا احتشام الدوله، بدیع الملک میرزا، علی خان ظهیرالدوله، حسینقلی میرزا عمادالسلطنه.

در ترجمه، گاهی ویراستاری (تحریر و تهذیب) انجام می شد. افرادی بوده اند که کارشان شسته رفته کردن ترجمه ها از لحاظ بلاغت و فصاحت بود. در جدولی که تهیه شده است نام رضا قلی سرابی تاریخ نویس، محمد حسن شوکت، محمد حسین فروغی گویای همین کار ویراستاری ست. حتی در فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی تهران دیدم که دوستعلی خان معیرالممالک تاریخ نیکولارا که ژول ریشار فرانسوی به فارسی ترجمه کرده بود منقح و تصحیح کرده است. ناصرالدین شاه به خط پشت آن نوشته است: «ترجمه تاریخ نیکولای امپراطور روس مرحوم است که داده بودیم موسی (= مسیو) Musi ریشار فرانسوی ملقب به میرزا رضا ترجمه کند».<sup>۲۱</sup>

نکته ای که در کار مترجمان باید مورد دقت نظر باشد این است که در همه موارد تخصص مترجم مورد توجه نمی بود. مترجمانی بوده اند که کارشان ترجمه شده بود و در هر زمینه ای کتاب ترجمه می کردند مانند عارف خان ارزرومی در دارالترجمه همایونی یا محمود افشار کنگاوری در دستگاه ظل السلطان. به طور مثال کتاب هیأتی را که به دستور اعتضاد السلطنه در سال ۱۲۷۹ ترجمه شد و نسخه اش در کتابخانه ملی هست (ش ۲۰۸) طولوزان فرانسوی (دکتر و طبیب شاه) به همراهی محمد تقی کاشانی ترجمه می کنند که هیچ یک هیأت نمی دانستند. پس اعتضاد السلطنه متن ترجمه شده را به عبدالغفار نجم الملک می دهد تا از حیث فهم و اصطلاحات نجومی به اصلاح درآورد. نجم الملک استاد هیأت و منجم بود.<sup>۲۲</sup>

پرکارترین مترجم دوره ناصری محمد حسن خان صنیع الدوله (بعداً اعتماد السلطنه) بود که حدود بیست کتاب و چندین ده رساله و تعداد زیادی مقاله به فارسی از فرانسه ترجمه کرده است. دیگر اوانس خان ارمنی (از انگلیسی)، سید حسین شیرازی (از اردو)، رحیم پسر علینقی حکیم الممالک، جد فرزانه ها (از انگلیسی)، محمود افشار کنگاوری (از ترکی)، محمد عارف (از ترکی)، کاظم شیمی و خلیل ثقفی (از فرانسه)، علی بخش قاجار (از فرانسه).

ناشناختگی در متون ترجمه شده متنوع است. ترجمه هایی موجود است که نام اصلی مؤلف یا عنوان کتاب شناخته نیست و اکنون نمی توان پی به هویت آنها برد. بالاخره ترجمه هایی داریم که نام مترجم در آنها قید نشده است. همچنین ترجمه هایی هست که زمان ترجمه شدن آنها مشخص نیست. هر یک از این نقائص موجب آن است که تاریخ ترجمه مجمل و تخمینی گفته شود.

در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه دو وزارت علوم و وزارت انطباعات به امور فرهنگی می پرداخت. هر یک تشکیلاتی داشت که تفصیل آن همه سال در سالنامه رسمی کشور درج می شد. وزارت علوم مسؤول امور مدرسه دارالفنون بود. در آن مدرسه چون عده ای معلم خارجی تدریس می کردند چند مترجم بودند که متون درسی را به ترجمه در می آورده اند و نام آنها در المآثر و الآثار (سال ۱۳۰۴ ق) میرزا احمد، میرزا خلیل، میرزا رضاخان، محسن میرزا، کاظم خان قید شده است.<sup>۲۳</sup>

اما وزارت انطباعات که اعتماد السلطنه متصدی آن بود چهار شعبه داشت:

- دارالترجمه مبارکه (خاصه) دولتی (همایونی) که ریاست آن به محمد حسین فروغی

(ذکاء الملک بعدی) واگذار شده بود.<sup>۲۴</sup>

- دایرة انطباعات و روزنامه جات.<sup>۲۵</sup>  
 - دارالطباعة دولتی که باز بر عهده محمدحسین فروغی بود.<sup>۲۶</sup>  
 - مجمع دارالتالیف نامه دانشوران که اعتضادالسلطنه آن را ایجاد کرده بود و فعالیت آن تا روزگاری که اعتمادالسلطنه حیات داشت دوام داشت.<sup>۲۷</sup>  
 اعتمادالسلطنه نام مترجمانی را که با دارالترجمه کار می کرده اند در دو گروه ایرانی و فرنگی جدا جدا آورده است.

مترجمان ایرانی: غیاث ادیب کاشانی (از عربی)، علی خان مترجم المعالک (از فرانسه)، عارف خان (از ترکی عثمانی)، سید حسین شیرازی (از هندوستانی)، عبدالرسول (از ترکی عثمانی)، سید عبدالله (از روسی).

مترجمان فرنگی و ملل متنوعه: رضاخان ریشار. (فرانسه و انگلیسی)، پروسکی خان (فرانسه)، بارون نرمان آلمانی (فرانسه و آلمانی)، مادروس خان ارمنی (فرانسه و روسی)، اوانس خان ارمنی که بعدها مساعدالسلطنه لقب گرفت و سفیر ایران در چند مملکت شد (فرانسه و انگلیسی)، آبکار ارمنی (روسی).

اعتمادالسلطنه در جایی که به شرح اقدامات مربوط به ایجاد مدرنیت می پردازد، شمه ای هم از خدمات مربوط به ترجمه صحبت می کند و می نویسد:

سالهاست که برحسب امر جهان مطاع شاهنشاه ایران در کرسی این مملکت مینو نشان مجتمعی حافل از برآمدگان همایون و پروردگان مدرسه دارالفنون در تحت ریاست این بنده ذلیل تشکیل یافته جمیع جراند و جرانیل و گازتها از تمام دولتها و حکومتها و ایالات وارد آن جا می گردد و از السنه شتی و لغات مختلف به پارسی ترجمانی می شود و هر چند روز یک بار از لحاظ اقدس شهریار می گذرد.<sup>۲۸</sup>

وزارت انطباعات از سوم محرم ۱۳۰۰ به عهده اعتمادالسلطنه قرار گرفت و او پس از تشکیلاتی که برای آن داد در بیست و یکم همان ماه اعضای آن را به حضور شاه برد. می نویسد: «غالباً علماء و فضلا هستند از حضور گذشتند و به همه اظهار التفات فرمودند».<sup>۲۹</sup>

اعتمادالسلطنه موافقی که در تهران بود تقریباً همه روز قبل از شرفیابی یا بعد از آن به دارالطباعة و دارالترجمه می رفت و غالباً در روزنامه خود متذکر رفتن به آن جا شده است. او هر چند یک بار اعضای دارالترجمه را به حضور شاه می برد، از جمله در روز ۱۲ ذی الحجه سال ۱۳۰۰ نوشته است:

نوبت اجزای من رسید. میرزا عیسی خان لباس خود را عوض کرده حمایل خود را برداشته بود. من

در معرفی به شاه عرض کردم که مترجمین محض تنبلی خود را به وزارتخانه ها می بندند که کار نکنند. حمایل دروغی می اندازند و لباس زرق و برق دار می پوشند. شاه تأکید فرمودند که باید دارالترجمه مفصلی و منظمی دایر شود.<sup>۳۰</sup>

اعتماد السلطنه با توجه به این که تشکیل دارالترجمه حسادت و وحشت میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه را پیش آورده بود چند روزی نمی گذرد که مراسم رسمی افتتاح دارالترجمه را در روز بیستم همان ماه ذی الحجه آماده می کند و محل آن را در بالاخانه سابق کشیکخانه جنب تخت مرمر قرار می دهد.<sup>۳۱</sup> و علی رغم میل میرزا سعید خان مترجمان وزارت خارجه را هم به حکم شاه به دارالترجمه می برد.<sup>۳۲</sup>

مترجمان هرچند یک بار به حضور شاه برده می شدند (به طور مثال ۲۶ محرم ۱۳۰۱، ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۰۱، ۱۹ صفر ۱۳۰۲، ۱۱ ربیع الاول ۱۳۰۳).

کتابها و رساله هایی که ترجمه می شد توسط کاتبان به کتابت خوش می رسید و تجلید و گاهی تذهیب می شد و هرچند یک بار به توسط اعتماد السلطنه به حضور شاه تقدیم می شد. از ابتدای تشکیل دارالترجمه (محرم ۱۳۰۰) تا دوم ربیع الاول ۱۳۰۲ پنج بار مجموعه ترجمه شده های جدید به شاه تقدیم شد. اعتماد السلطنه در روزنامه خود [یادداشت روز] این موارد را قید کرده است:

۲۶ محرم ۱۳۰۱: حضرات مترجمین را حاضر کرده با کتابچه های ترجمه شده... حضور بردم.

۴ ربیع الاول: بیست و دو جلد کتاب ترجمه شده حضور شاه بردم.

۲۳ شعبان: میرزا فروغی از شهر آمده بود سی و شش کتابچه ترجمه را آورده بود (ولی اعتماد السلطنه ۷ ذی القعدة آنها را به شاه تقدیم می کند).

۲ ربیع الاول ۱۳۰۲: مترجمین را حضور بردم با سی کتاب که ترجمه کرده بودند.

۲۸ جمادی الاول: سی جلد کتاب ترجمه دارالترجمه را حضور شاه بردم.

۹ رجب: چند جلد کتاب ترجمه و غیره بود به حضور شاه بردم.<sup>۳۳</sup>

نظر التفات و توجه شاه تنها به این نبود که اعضای دارالترجمه را هرچند یک بار به حضور بپذیرد و یا اگر پیاده از نزدیک محل کار آنان بگذرد به آنها سر بزند جویای حال آنها بشود (۲۳ ربیع الاول ۱۳۰۳). گاهی هم انعام به آنها می داده است. به طور مثال یک مورد پنجاه تومان به میرزا علیقلی کاشانی<sup>۳۴</sup> و موردی دیگر دویست و پنجاه تومان برای مترجمین.<sup>۳۵</sup> اما گاهی هم در دادن پول برای مخارج آن اداره امساک می کرده است. از جمله اعتماد السلطنه در ۹ جمادی الثانی ۱۳۰۲ می نویسد که شاه در قبال تصمیم مجلس

دارالشوری که دویت تومان تصویب کرده بودند که برای ترجمه به بارون نرمان بدهند و شاه گفته بود من پارسال مبالغی انعام داده ام و به این مناسبت اعتماد السلطنه می نویسد: «سلطان عثمانی سالی سه هزار لیره که نود هزار تومان است خرج یک روزنامه فرنگی می کند شاه از دادن دویت تومان اکراه دارد».<sup>۳۵</sup>

گفتار دراز شد اگرچه ناگفته بسیار ماند. از صبوری شما و لطف تشکیل دهندگان این تجمع و عنایت انا عنایت نسبت به ترجمه کردن گفتارم (از فارسی به انگلیسی) و لطف محسن آشتیانی در ترمیم سخنانم متشکرم. گفتار را که به یاد حمید عنایت آغاز شد هم به یاد او به پایان می رساند. یادش پایدار و روانش شاد باد!

تهران

#### یادداشتها:

- ۱- فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی، ۱: ۶۸.
- ۲- حسین محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید: ۱: ۲۲۷.
- ۳- اعتماد السلطنه: روزنامه خاطرات، چاپ اول، ص ۱۶۴
- ۴- مورخ ۱۴ ربیع الثانی ۱۲۶۳.
- ۵- سرجان مالکلم باب ۲۴، ص ۱۹۱ به نقل از حسین محبوبی اردکانی در کتاب تاریخ مؤسسات تمدنی جدید.
- ۶- «سرگذشت خر»، مجتبی مینوی، راهنمای کتاب، ۱۸ (۱۳۴۵): ۶۳۶-۶۴۰.
- ۷- مینوی در پانزده گفتار و جمال زاده در مقدمه چاپی که از حاجی بابا کرده است.
- ۸- المآثر و الآثار، ص ۱۲۷.
- ۹- المآثر و الآثار، ص ۱۷۴ (هر دو مورد).
- ۱۰- فهرست نسخه های خطی کتابخانه سلطنتی، ص ۴۲۶.
- ۱۱- همان، ص ۳۱۳.
- ۱۲- همان، ص ۹۱.
- ۱۳- همان، ص ۶۴۹.
- ۱۴- همان، ص ۵۱۸.
- ۱۵- همان، ص ۹۲.
- ۱۶- همان، ص ۶۵۸.
- ۱۷- همان، ص ۵۱۸.
- ۱۸- چند بار این ترجمه معرفی شده است. از جمله مقاله های دکتر کریم مجتهدی و محمدتقی دانش پزوه (در فهرستها) دیده شود.
- ۱۹- روزنامه ایران، شماره ۱۳۲ (صفحه ۵۲۷ چاپ جدید).
- ۲۰- روزنامه ایران، شماره ۱۳۳ (صفحه ۵۲۹ چاپ جدید).
- ۲۱- فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی، ۱: ۱۴۵.
- ۲۲- همان، ۱: ۲۰۵.
- ۲۳- المآثر و الآثار، ص ۴۰۴.
- ۲۴- همان، ص ۴۰۹.



- ۲۵- همان، ص ۱۴۶.
- ۲۶- همان، ص ۴۰۹.
- ۲۷- همان، ص ۱۷۴.
- ۲۸- همان، ص ۱۵۵.
- ۲۹- اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، چاپ اول، ص ۲۲۸.
- ۳۰- همان، ص ۲۹۰.
- ۳۱- همان، ص ۲۹۲.
- ۳۲- همان، ص ۳۹۴.
- ۳۳- چون تاریخ موارد قید شده ضرورتی به صفحه ندارد.
- ۳۴- همان، ص ۲۰.
- ۳۵- همان، ص ۳۱۹.
- ۳۶- همان، ص ۳۹۵.

توضیح: در کتاب روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه اطلاعات متنوعی راجع به ترجمه وجود دارد و همه آنها در کتابی که به مباحث فرهنگی در عصر ناصری (تهران، ۱۳۸۰) نام دارد و برگرفته از همان کتاب خاطرات است گردآوری و ذیل کلمه «دارالترجمه» در فهرست پایانی آن کتاب به یک یک موارد اشاره شده است.

\*

اخیراً جلدهای اول و دوم فهرست کتابهای فارسی شده چاپی از آغاز تا سال ۱۳۷۰، توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی وابسته به آستان قدس رضوی در مشهد نشر شده است. این دو جلد به پایان حرف کاف از اسامی کتب می رسد و جلد سوم در دست چاپ است.

طرح این کار بزرگ بنا بر مقدمه آقای محسن ناجی نصرآبادی از سال ۱۳۶۵ آغاز و قسمتی از کوششهای نخستین آن توسط آقای محمد فرخ زاد انجام می شود و پس از مدتی وقفه از سال ۱۳۷۵ به ادامه کار اهتمام شده است و این بار به کوشش آقای محسن ناجی نصرآبادی و سه همکارشان انتشار کتاب قطعیت می گیرد.

در این فهرست حدود بیست و پنج هزار کتاب معرفی شده است. در دو جلد نخستین تعداد کتابهای مترجم بالغ بر ۱۶۱۴۳ کتاب است از هر زبانی.

گردآورندگان کوشیده اند اسامی خارجی مؤلفان و حتی المقدور نام کتاب آنها را به زبان خارجی نقل کنند.

## پیوستها

### پیوست ۱ - فهرست سالشماری به طور نمونه

- در ۱۲۲۲ حوادث نامه، از ترکی عثمانی توسط محمد رضی تبریزی
- در ۱۲۲۸ تاریخ اسکندر، توسط جیمز کمل (Comell)
- در ۱۲۴۵ آبله، میرزا محمد بن عیدالصبور خوبی
- در ۱۲۴۷ تاریخ قیصر روم، محمد ابراهیم شیرازی
- در ۱۲۴۷ ترجمه تاریخ تنزل و خرابی دولت روم، میرزا رضای مهندس باشی
- در ۱۲۵۲ قورخانه، محمد باقر بتریزی
- در ۱۲۵۲ تاریخ ناپلیون، محمد رضا
- در ۱۲۵۴ صواعق النظام، محمد رضا

۱۲۶۲ برجیس، سفرنامه چینی

۱۲۶۳ حقوق ملل، محبعلی

۱۲۷۳ تشریح البشر، محمد خوبی

۱۲۷۴ جرائع، محمد زکی

۱۲۷۹ حکمت ناصریه، لاله زار

۱۲۷۹ سرالحکمه، شیلر، توسط محمد حسن انصاری

بیوست ۲ - اسامی اہم مترجمان به طور نمونه و معرفی نسخه خطی آثار آنها

آبکار ارمنی: تاریخ روسیه، تصحیح محمد علی مسکین در ۱۲۸۲، ملی ۱: ۱۴۱.

: سفرنامه چریکف، نشریه ۲: ۲۶۳.

آندرنی: حرکت افواج (مشار ۱۱۶۴).

آندره اطریشی (یا) آندره خیاط.

ابراهیم تبریزی (میرزا): تاریخ روم (به دستور محمد شاه)، ملک ۳۷۷۱

: ژولیوس قیصر، ملک ۳۸۷۷

ابراهیم خلیل (پسر اعتضاد الاطباء): شیمی، نشریه ۳: ۳۱۶

ابراهیم شیرازی ← محمد ابراهیم

ابوطالب صفوی: هیأت از تحقیقات جدید حکمای فرقه انگلیس، نشریه ۱۲: ۷۴۳

ابوالقاسم پسر محمد علی شمس الشعرا: اکسپوزیسیون کلین در ۱۸۹۰، ملی ۱: ۱۹۴

ابوالقاسم همدانی (ناصرالملک بعدی): ترجمه مکاتبات آسیای مرکزی از ۱۸۸۵، آتابای:

۷۱۴

: نادرشاه، از فریزر (چاپ شده)، ملک ۳۷۱۹، اصفهان ۴۱

: هملت، شکسپیر

احمدخان (میرزا): مترجم روسی دارالفنون که در روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه بارها

نامش آمده

احمد خان سرتیب ← محمد حسن آشتیانی

احمد مهندس (پسر ملک الشعرا): سفرنامه دومن دورین فرانسوی، فهرست سلطنتی

اردشیر: یادگار سیاسی - سفارت چین - از موریس رمبلد، اصفهان ۱۷۲

: تاریخ هندوستان، اصفهان ۴۴

اسکندر قوریانس (مترجم اکسپوزیسیون): تاریخ طغیان اکراد در ۱۲۹۷؛ ملک ۳۷۵۹

اسمعیل، بعدها لسان السلطان (پسر صحاف باشی): تاریخ انگلستان، از لئونارد اسکیمزد،

ملی، ۷۲

: کشتیهای جنگی دولت انگلیس، (ترجمه در ۱۲۹۷)

: علم جنگ (ترجمه در ۱۲۹۸)، ملی: ۱، ۷۷

: تاریخ جنگ چین، ملی: ۱، ۲۳۳

اعتماد السلطنه ← صنیع الدوله

اعلم الدوله ثقفی ← خلیل بن عبدالباقی

افشار ← محمود کنگاوری

افشار ← مصطفی

ال عازار ← لاله زار

امان الله میزرا بن شکرالله (ضیاء الدوله بعدی): جنگ ترکستان، از اسکوبلف، اصفهان

۸۴، ملک ۳: ۵۵۸

اندرنی خان

اوانس خان (مساعد السلطنه بعدی): تحقیقات درباره چین از ولتر، ملک ۳۷۲۴

: سفرنامه بنجامین، سلطنتی، جلد جغرافیا، ص ۵۱۷-۵۲۰

: سفرنامه وامبری، اصفهان ۱۱۹، ملک ۴۱۲۶ (۳: ۴۶۷)

: مدخلیت ایران در مسأله مشرق، از ویجوسکی، ملی ۱۸۷، نشریه ۱: ۶۰

: مقدمه شورش هندوستان، چاپ تبرائیان

باقر (پسر میرزا احمد مهندس): آداب جنگ، برای محمد شاه، ملک ۱۳۲۰

بالک حکیم باشی: تاریخ اسکندر، از مسیورالن (ظاهراً تحریر رضا قلی)، سلطنتی ۱۶:

برجیس، ادوارد: سفرنامه میسیون چین، به قلم الیس، با همکاری میرزا صادق در سال ۱۲۶۲،

مرکزی ۵۰۳۷، ملک ۳۸۱۴

پاشا خان پیشخدمت: تاریخ ناپلیون (ترجمه ۱۲۷۴)، سلطنتی، ۴۲۲

پطرس

جان: حفر چاه، ملی ۵۹۲ (۲: ۱۰۱)

جان داود مسیحی: جهان نمای جدید (جغرافیای کره از روی ترکی) به تحریر محمد حسین فراهانی

دبیرالملک و برای حاجی [میرزا آقاسی] مهدوی ۵۳۶، نشریه ۲: ۷۲

جان کاشانی (میرزا): جنگ سباستوپول (ترجمه ۱۲۸۶)، ملک ۳۷۷۵

جعفر قلی خان نیرالملک هدایت ← نیرالملک

جلال الملک قاجار: تاریخ شوالیه دون کیشوت، اصفهان ۳۴

حبیب اصفهانی (میرزا): حاجی بابای اصفهانی

: ژیل بلاس، ملک ۱۵۳۷

: غرائب ملل

: گزارش مردم گریز، از مولیر

حسام الدین طیب شیرازی: فیزیک (از فرانسه)، در سال ۱۳۰۱، ملی ۲۱۹ (۱: ۲۱۲)

حسن شوکت

حسن لاهیجی (پسر علیرضا): قواعد عکس و تلگراف، در ۱۲۹۸، دانشگاه اصفهان ۴۰۶  
 حسن بن علی: تاریخ سلطان سلیمان عثمانی، از مصطفی افندی سلانیکلی (ترجمه ۱۲۸۲)،  
 سلطنتی ۴۹

: سفرنامه خیوق، یا گاهان امریکایی (ترجمه از ترکی)، اصفهان ۱۱۴

حسن یاور خان (حسن خان یاور): جنگ عثمانی و یونان، از احمد جواد بیگ، ملک ۳۹۲۴، اصفهان ۳۵  
 حسین، تاریخ و جغرافیا، ترجمه در ۱۳۱۳، ملک ۲۰۱۹

حسین (میرزا - پسر نظام السلطنه): تاریخ اسکندر رومی، مرکزی ۵۶۵۴

حسین شیرازی (سید)، فرزند سید رضا فارسی = شیرازی و به حسین صدرالمعالی هم نامش آمده:

: احوال روس و افغانستان، اصفهان ۲

: تاریخ احمد شاه درانی، ملک ۳۹۲۷، ۴۱۵۷، سلطنتی ۳، مرکزی ۶۵۷۴

: تاریخ پنجاب، از نصرت علی خان دهلوی، سلطنتی ۱۶، اصفهان ۴۳

: جغرافیای هندوستان، اصفهان ۸۱

: روزنامه‌جات: مرکزی ۵۲۷۹، اصفهان ۶۱، نشریه ۱۲: ۸۱

: سرگذشت کافران سیاهپوش، مرکزی ۳۹۳۸

حسینقلی ← صدرالسلطنه

حسینقلی خان سلطانی کلهر: تاریخ سلاطین عثمانی (ترجمه در ۱۲۸۶)، ملک ۳۷۷۴

حکیم العمالک ← علینقی

حیدر میرزا دکتر: گریپ، برای ناصرالدین شاه، ملک ۴۴۴۹ (۴: ۶۹۲)

حیدر علی اصفهانی: اقوم المسالک (از عربی)، اصفهان ۵۵

خلیل بن عبدالباقی اعتضاد الحکماء ثقفی (اعلم الدوله بعدی)

: ترانسیک، ملی ۱۰۰۷

: تشریح (ترجمه در ۱۲۹۶)، ملک ۱۲۰۶

: حکمت طبیعی یا شیمی (ترجمه در ۱۲۹۷)، مرکزی ۵۷۰۷، پزشکی ۱۶۴

: زمان و مکان، از ژول سیمون، ملی ۱۰۲۹/۲ (۳: ۳۶)

: زراعت، ملی ۱۰۲۹/۱

: شیمی، از ولونه، مرعشی ۵۶/۱ و ۱۴۲: ۱۱

: علم الاشیاء، ملک ۶۵۰، ۴۲۲۵

داود خانف، مادروس: کنت دو مونت کریستو، ملی ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۴۲

تاریخ جدید، از لابه فلوریه (ترجمه در ۱۲۸۷)، سلطنتی ۱۷۱، ص ۳۸۶، ش ۱۳۳۲، نشریه

۱۶۳: ۱

: جغرافیای قفقازیه، ملی ۲/ف در ۱۲۷۸

- دون کیشوت، ملی ش ۴۱:
- دبیرالملک فراهانی ← محمد حسین
- رحیم بن علینقی (پسر حکیم العمالک):
- تاریخ ایران از مارخام:
- سفرنامه دکتر هانری لانسدل به بخارا و خیوه (ترجمه ۱۳۰۲)، اصفهان ۱۱۷:
- سفرنامه لوات: ملک ۳: ۴۶۰:
- مراسلات امیر شیرعلی خان به ژنرال کفمان، ملی ۱: ۲۰۶:
- رضا مهندس باشی تبریزی ← محمد رضا
- رضاخان ریشار: جراثقال، از دولویه، تحریر محمد حسن شوکت، ملک ۳/ ۱۱۰۷:
- چینی سازی، ملک ۱۴۸۶:
- رضا دکتر (میرزا): پاتولوژی، از گریزل، رشت ص ۱۵
- رضا قلی سرابی تاریخ نویس (پدر ممتحن الدوله) محرر ترجمه ها بوده
- اسکندر مقدونی، که کعبل از انگلیسی ترجمه کرده، ملک ۴۱۲۴، ملک ۵۷۹۲:
- تاریخ ناپلئون ترجمه میرزا محمد رضای مهندس که در ۱۲۶۶ اصلاح شده
- ریشار ← رضاخان
- زین العابدین حکیمباشی کاشی (مؤتمن الاطباء): ادویه جات و نسخه جات، از شلیمر،
- ملک ۴۵۴۶:
- زین العابدین بن کلبعلی منشی: قانون نظام روس، به دستور اعتضاد السلطنه، مترجم در روسی
- شاگرد مادروس خان بود، سلطنتی ۶۴۹:
- سلطانی کلهر ← حسینقلی
- شبانی رازی: معرفة الارض، ملی ۱۱۰۰ (۳: ۱۲۰):
- شوکت ← حسن شوکت
- صادق خان (میرزا)، همکار برجیس در ترجمه ها، ملک ۳۸۱۴:
- صدرا السلطنه نوری، حسینقلی: قانون مدنی، ملی ۱۴۷:
- صدرا المعالی ← حسین شیرازی
- صفاء السلطنه ← علی نائینی
- صنیع الدوله، محمد حسن
- طالب اف تبریزی، عبدالرحیم: حکمت طبیعه (فیزیک)، چاپ استانبول ۱۳۱۱:
- عارف خان ← محمد عارف
- عباس مشاور الدوله: تاریخ ناپلیون، مرکزی ۵۶۰۳:
- عبدالحسین میرزا (پسر طهماسب میرزا مؤید الدوله): الحمار بحمل اسفارا، از کنتس دوسگور
- عبدالحسین (پسر حسین طبیب صدراالحکماء): رساله فیزیولوژی و اصول علم فیزیک در ۱۳۱۸، ملی، تبریز

.۲۱۵، ۲۱۲

عبدالحسین کفری: ژیل بلاس، ترجمه ژیل بلاس را به نام خود کرده  
عبدالرسول: مرآة الحرمين (مکه و مدینه، از عربی، در ۱۳۰۶)، ملک ۴۳۵۵  
عبدالغفار ← نجم الملك

عبدالله (سید) (پسر مقنی باشی) مترجم روسی و فرانسه در دارالفنون  
: تاریخ نادر، از کشمیشف، سلطنتی ۱۱۷

: سفرنامه دکتر اوئیلز به ایران، اصفهان ۱۱۱

: سفرنامه سولتی کف به ایران، (ترجمه در ۱۳۰۵)، سلطنتی

علی (پسر رضا نامه نگار): اوضاع جهان، در ۱۸۷۷، ملی ش ۶۱

علی: جغرافیای تاریخی آبه گلته، اصفهان ۷۷: (ترجمه محمود هم دارد)

علی خان: تاکتیک عملیات جنگی، ملک ۲۰۶۴

علی خان نائینی (صفاء السلطنه بعدی): تاریخ قیصره ناصره همایونی (در ۱۲۹۶)، ملک

۳۷۶۶، اصفهان ۳۶، سلطنتی ص ۳۶۳

علی مترجم (شاید مترجم الممالک): روزنامهجات، نشریه ۱۲: ۱۸ - شیرینی جات و

مرباجات؛ مرعشی ۹۰۲۵

علی ناظم العلوم: اصول علم فیزیک و حکمت طبیعی، مرکزی ۵۰۱۴، ۹۵۵۰ (چاپ ۱۲۹۵)

: تلماک را ترجمه کرد (بامداد ۲: ۳۸۵)

: حکمت ریاضی علم حساب و جبر، چاپ ۱۲۹۷

علی اکبر تبریزی: نقشه اتناگرافی

علی اکبر حسینی فراهانی (سید): الحکمة الجديدة در فیزیک و شیمی، به نظم عربی،

مرکزی ۴۵۰۹/۳

علی حکیمباشی (میرزا) تحقیق آتش فشانیهای جبال و زلزله های خارق العاده، از روی فرانسه، سنا ۱۷۵۵/۲

که در روزنامه ایران ۱۲۹۲ چاپ شده

علی بخش میرزا قاجار (پسر اسکندر میرزا):

: تاریخ حیات فوبلاس، ترجمه در ۱۳۰۱، اصفهان ۵۶

: تشریح الابدان

: سفرنامه جنوب هند و قفقاز، سلطنتی

: فانوس دریایی، از بیدون فرانسوی

: لیور دور (علوم) در ۱۲۹۲، ملک ۱۴۱۶

: میزان الملل در ۱۳۰۵، ملی ۱۴۰۴

علیقلی مترجم کاشانی (میرزا): سیاحت و سیر مسیوروسله در هندوستان، در روزنامه ایران

۱۲۹۲

علی محمد اصفهانی (متخلص طغرل): تاریخ هندوستان یا عالم نمای مسعودی، اصفهان ۱۲۴ و ۳۴۸

علی محمد مستوفی (خادم وزارت انطباعات و روزنامهجات): جنگ سودان، سلطنتی ۴۲ - استانبول، ص ۳۲

علینقی حکیم الملک: زبدة الحکمه، از پولاک، رشت ص ۱۳۳، ملک ۶۱۹۳  
عماد السلطنه سالور: خاطرات یک خر، از کنتس دوسگور  
عیسی [گروسی]

: تاریخ پرتقال، اصفهان ۲۲

: روزنامهجات، نشریه ۱۲: ۱۸

: سفرنامه آندری در ۱۸۷۵ به امریکای جنوبی، از روی توردوموند، در ۱۲۹۴

: سفرنامه مادام دیولافوا (ترجمه شده در ۱۳۰۲) از روی توردوموند

فتحعلی شیرازی

فخرالادباء ← حیدرعلی

فریدون میرزا (پسر ظل السلطان):

: تاریخ مغولان، از هانری هورف، اصفهان ۴۱

: سفرنامه مادام دی یورند به ایران، اصفهان ۱۱۵

کاظم: تاریخ جنگهای عثمانی و روس، ملک ۱۴۸۱/۴

کاظم شیمی ← محمد کاظم محلاتی

کمل، جمز: تاریخ اسکندر، ترجمه در ۱۸۱۳ / ۱۲/۲۸ (مجبوبی ۲۲۶-۲۲۷)

لاله زار: حکمت ناصریه، از دکارت (دانش ص ۸۹-۹۰) چاپ ۱۲۷۹

مادروس داودخانف ← داودخانف

مترجم السلطان، رضا: تربیت اطفال، ۶۲۴۳

مجبلی: حقوق ملل، از بارون اتوکار (از روی ترکی در ۱۲۶۳)، حقوق ۱۴۷ج

محلاتی ← محمد کاظم

محمد خان کفری: ضیاء الناظرین، از دکتر کالزوسکی، نشریه ۳: ۳۴۸

محمد بن عبدالصبور خونی (ملا)

: تعلیم نامه آبله، از حکیم کورمبک طیب عباس میرزا (چاپ ۱۲۴۵)

: تشریح البشر و توضیح الصور (چاپ ۱۲۷۳) ظاهراً باید ترجمه باشد

: مجمع الحکمتین (پزشکی فرنگی و ایرانی)، نشریه ۳: ۳۰

محمد میرزا مهندس (حاجی): اهرام مصر، ملک ۷۰۳

محمد ابراهیم شیرازی: تاریخ قیصر روم (ژولیوس قیصر) با رضا مهندس باشی به دستور محمد شاه در ۱۲۴۷،

ملک ۳۸۷۷، ملک ۴۱۶۲، اصفهان ۳۶

محمد اسمعیل

محمد باقر: تاریخ سلاطین مصر، ترجمه در ۱۳۰۴، ملک ۳۸۲۸

محمد باقر تبریزی: علم قورخانه، مرکزی ۴۵۸۲ (چاپ ۱۲۵۷ ق)

محمد تقی بن محمد قلبی: تسخیر ارواح، از فرانسه، ملی ۱: ۴۴۱

محمد تقی انصاری کاشانی

تذکره الارض ناصریه یا آفرینش نامه، از فیگیه، در سال ۱۲۸۴، نشریه ۱۲: ۸۸۷،

مرعشی ۱۱: ۲۸۰، دانشگاه اصفهان ۲۷۲، ملی ۲۴۶، سلطنتی ۱۳۳۴

تشریح مواد عصبی، نشریه ۱۲: ۹۹

حدائق الطبیعة (هیأت) چاپ ۱۳۰۰

سر الحکمة وزینة الابدان، از شلیمر، در ۱۲۷۹

محمد جعفر قراچه داغی: تاریخ کرید (کرت) ملی ۱: ۲۷۶ در ۱۲۹۵

تمثیلات

محمد حسن شوکت: ترجمه ها را تحریر می کرده

محمد حسن شیرازی: آداب جنگ، از دوره محمد شاه، ملک ۲۸۹۶

محمد حسن آشتیانی: تاریخ آسیای وسطی، از اسکرین، با همکاری احمدخان سرتیپ، اصفهان ۱۵

محمد حسن صنیع الدوله ← اعتماد السلطنه

محمد حسین افشار:

تشریح، از بولاک، نشریه ۱۲: ۹۹، گوهرشاد ۲/ ۱۱۱۲

علاج الاسقام، از بولاک، نشریه ۱۲: ۱۲۱

کحالی، نشریه ۱۲: ۱۲۱، گزهر شاد ۱۰۷۵

محمد حسین تهرانی

محمد حسین خوبی: تاریخ عثمانی، از احمد جودت افندی، مرکزی ۴۳۶۸

محمد حسین عضدالملکی (پسر غلامعلی): سفرنامه دکتر ژاک به ایران در ۱۸۷۰، مرعشی ۷۸۴۵

محمد حسین قاجار: احوال فردریک ثانی، ترجمه در ۱۲۸۰، سلطنتی ص ۳۱۳

(محمد) رضا تبریزی (رضا مهندس باشی)

تاریخ پطر کبیر، از ولتر (?) به انشای میرزا حسن شوکت (محبوبی ۲۲۷-۲۲۸)

تاریخ قیصر، با همکاری محمد ابراهیم شیرازی، در ۱۲۴۷، ملک ۴۱۲۷

تاریخ ناپلیون، از بورین (?)، در مقاله کیانفر مؤلف والتر اسکات آمده، ترجمه در ۱۲۵۲ از روی متن ترجمه شده

به انگلیسی و اصلاح رضاقلی تاریخ نویس، سلطنتی، ملک ۴۳۵۰، مرکزی، ۲۶۰۰، ۵۱۳۰، ۵۱۵۷ - ملی ۱۲۸ ف

تاریخ نزل و خرابی دولت روم، از گیون، ترجمه در ۱۲۴۷

صواعق النظام، ترجمه در ۱۲۵۴، سلطنتی ۲۶۰ ص ۶۲۵، ملی ۱۰۵۳

(حوادث نامه) جنگهای قرال لمحه و روس، ترجمه در ۱۲۲۲، مهدوی ۱۶۱، نشریه ۲: ۷۴، به نام محمد رضی آمده



که ظاهراً همان محمد رضا است

: رسالۀ فشنگ ، به دستور حاج میرزا آقاسی ، ملی ۱۰۵۵ (۳: ۷۳)

محمد رضا غفاری کاشانی پسر احمد غفاری ، ملی ۱: ۱۵۸ سفر در اطراف اطاق

محمد رضا موسوی منشی: حکایت مسیو لمارکی ، ترجمه در ۱۳۰۸ ، ملک ۹/ ۵۶۶۸ (۸: ۴۵۱)

محمد رضا مهندس (میرزا) احتمالاً همان محمد رضا تبریزی: سیاحت نامۀ آفریقا ، از ژرژ شولفرت ، سلطنتی

محمد رضی تبریزی: ظاهراً تصحیف نام همان محمد رضا تبریزی

محمد زکی مستوفی علی آبادی (پسر میرزا مقیم)

: تاریخ عثمانی (سلطان التواریخ) ، ملک ۳: ۴۷۳

: تشریح و توضیح علم جرائنقال و حکمت طبیعی (چاپ ۱۲۷۴)

محمد صفی بن محمد حسین ادیب الدوله: سیاحت استانبلی در آفریقا ، ترجمه از ۱۳۱۱ شروع شد (چاپ شده است)

محمد ظاهر میرزا قاجار (پسر اسکندر بن عباس میرزا)

: تاریخ گیوم ، از ادوارد سیمون ، سلطنتی

: ژئولوژی ، (دانش ۹۴) ملی ۱: ۳۲۲ ، ۲: ۱۵۳

: سفرنامۀ اولیویه ، ملک ۳۷۶۳

: سه تفنگدار

محمد عارف ارزرومی (فرزند محمد شریف بیگ اسپنا قچی پاشا زاده)

: احوال مادام لاوالت فرانسوی

: اطلاعات فنیہ راجع به بغداد ، عمومی اصفهان ۳۵۳

: تاریخ قائمہ بابک

: تاریخ قره چیان ، از احمد مدحت افندی ، عمومی اصفهان ۳۵۶ مطالعات فرنگی

: تاریخ کاشغر ، از محمد عاطف بیگ که عنوان العبر نام داشته ، ترجمه در ۱۳۰۴ ، سلطنتی ۳۷۱ ، عمومی

رتال جامع علوم انسانی

اصفهان ۳۷

: تخم مرغ صنعتی

: جغرافیای خرطوم و سودان ، عمومی اصفهان ۳۵۴

: حسن و آیت ، دکتر ده یای ، عمومی اصفهان ۳۵۸

: سفرنامۀ خیوق ، ماگهان ، ملک ۴۰۸۵

: صاحب الغار فی المرو ، عمومی اصفهان ۳۵۴

: عمارات سلطنتی روس ، عمومی اصفهان ۳۵۵

: کشف جدیدی در آمریکا از آثار عتیق

: کیفیات فنیہ و تاریخیہ

: مشروبات الکلیہ

: مخادعات سیاسیہ یک زن ، از احمد مدخت افندی ، عمومی اصفهان ۳۵۷

مرفقات الزمان فی احوال سلاطین آل عثمان، عمومی اصفهان ۱۵۲

محمد علی تبریزی (ظ. علاء السلطنه) شارژ دفتر ایران در لندن

: علم جنگ، ترجمه شده در ۱۲۸۰، سلطنتی ۶۵۶

محمد علی [ناظر]: محرر تاریخ پطر کبیر و شرل (ترجمه موسی جبرئیل و انشاء رضاقلی تاریخ نویس

محمد علی مسکین: مصحح تاریخ روسیه، ترجمه آبکار، ملی ۱: ۱۴۱

محمد کاظم شیمی محلاتی (کاظم هم آمده)

: اصول علم شیمی جدید، مجلس ۱۹: ۴۳ (چاپ ۱۳۰۷)

جنگ مشرق زمین، از آندره لوفر، ملک ۳۹۱۱، اصفهان ۲۳-۲۵، مرکزی ۷۸۲۳

: جواهر نامه، از رامبو سین، ترجمه در ۱۳۰۱، ملک ۵۷۲۳

: عکاسی در ۱۲۸۰، سپسالار ۲۸۳۹، اعتماد الدوله همدان (نشریه ۵: ۳۴۴۰)، ملی ۵۸۰، ۲۷۸۲

محمد مهدی تبریزی (سید): اردو کشی ۱۸۷۰، ملی: ۲۳۴

محمود افشار کنگاوری (مدیر روزنامه فرهنگ)

: انقلاب در اسلام، اصفهان ۱۱

: ایران و مسأله ایران، از کرزن، ترجمه در ۱۳۱۰، اصفهان ۱۴، ۱۳۰

: تاریخ دولت عثمانیه، از خیرالله افندی، اصفهان ۲۵-۲۹

: حقوق ملل، ترجمه در ۱۳۰۱ از ترکی، مرکزی ۵۸۴۴

: فنون عسکریه، از واندولد بلزیک، اصفهان ۱۳۰

: مأموریت دکتر ولف در بخارا، اصفهان ۱۴۶

: مشاهیر اسلام، از حمید وهبی افندی، اصفهان ۱۵۴

: مفتاح الفنون، از روی ترجمه ترکی از ایتالیایی، تألیف پاسکال گالویی (۱۷۷۰-۱۸۴۶) در ۱۳۰۹، اصفهان

۱۱۵۶۴، نشریه ۵: ۳۰۸

: وقایع هندوستان، ترجمه ۱۳۰۲، ملی ۲: ۱۵۶

محمود کاشانی: جغرافیای تاریخی، از آبه گلتیه، اصفهان ۸۰ (ترجمه علی هم دارد)

محمود میرزای قاجار: تاریخ روسیه، از سالاوووا، اصفهان ۳۰-۳۴، ۷۳

مساعدا السلطنه ← اوانس خان

مستشار الدوله ← یوسف

مشاور الدوله، عباس

مصطفی افشار (آیا اصفهانی؟)

: بدایع الحکمة ناصری، از دکتر طولوزان، نشریه ۱۲: ۹۷، ۱۳۷، ملک ۱/ ۶۱۹۳

مصطفی بن محمد عون الملک: محاربات نادرشاه ...، ملی ۱: ۱۶۸

موسی جبرئیل: تاریخ شارل، ملک ۳۷۵۴، ۳۸۶۱ (چاپ شده با اصلاح)

موسی کاشانی (میرزا): سیاحت دکتر ژرژ شونفرت در آفریقا، ترجمه، از روی تور دوموند، در ۱۲۹۱ مهدی، شاید ممتحن الدوله: روزنامه سفر ارمنستان و ایران، شاید از ژوبر، سلطنتی مهدیقلی خان خانان (بعدها مخیر السلطنه): جغرافیای عمومی، از پیر فنس فرانسوی، سلطنتی میرزا آقا بن بابابیک: تاریخ فرانسه، ترجمه در ۱۳۰۱، ملی: ۱: ۱۷۰

میرزا جان کاشانی ← جان

ناظم العلوم ← علی ناظم العلوم

نجم الدوله (نجم الملک) اصفهانی، عبدالغفار

: آسمان، از آمده گیلین، ملک ۳۶۳۸

: اصول حکمت فلسفه، از لابه ادوارد بارب، ترجمه در ۱۳۰۸، حقوق ۲۱۵ ج

: تلگراف، به دستور اعتضاد السلطنه، مجلس ۷۶۵

: جغرافیا، گوهر شاد ۱۵۹۲

نرمان (بارون): احوال تراکمه، اصفهان ۱۱۴۵۳

: احوال و وقایع مملکت مصر، اصفهان ۳

نصر الاطباء: حفظ الصحه، ملک ۴۴۵.

نصرالله خان نواب شیرازی: تاریخ کرمان، از سایکس، ملک ۳۷۹۰، ۳۹۵۸، شاید از دیگری اصفهان ۳۹

نصرت قوچانی طیب: علم شیمی، نشریه ۵: ۷۶

نیرالملک هدایت، جعفر قلی: طبیعیات، نشریه ۵: ۷۶، مفتاح العلوم در روزنامه دانش ۱۲۹۹

ولی الله خان طیب (سید): تاریخ مراکش، از لئون کورار شانوان ترجمه در ۱۴۱۶، سلطنتی ۳۹۸

هارتون: تاریخ راه آهن، ادبیات ۴۱ ب

یحیی بن محمد نبی: تاریخ ناپلئون، اصفهان ۴۱

یحیی بن نجم الملک: ستاره زهره (بنا بر آراء فرنگی) ملی: ۱: ۱۹۵

یوسف مستشار الدوله: علم طبقات الارض، ترجمه از ترکی در ۱۲۹۹ (چاپ شده)

یوسفعلی: ترجمه روزنامه ۱۸۷۱ / ملی ۱۲۱

### پیوست ۳ - ترجمه های بدون نام مترجم

آبله کوبی: از طولوزان

آتش فشانی جبال: سلطنتی ۲۵۵

احوال فرنگ: ملک ۴۳۴۱/۷

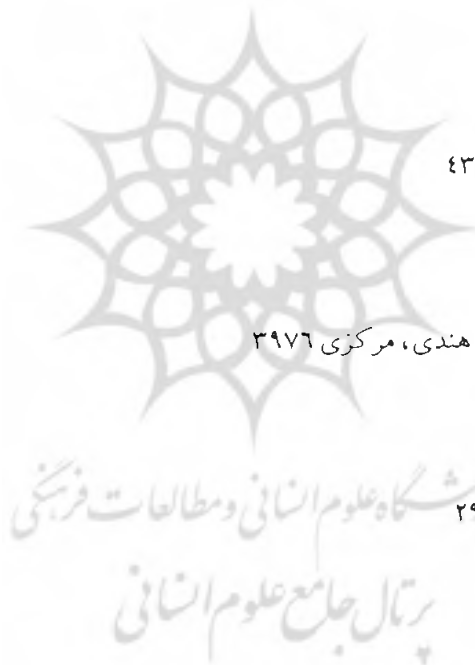
احوال ناپلئون: ملک ۵۷۹۲/۱، نشریه ۳: ۴۲۹، مهدوی ۱۷۱ (نشریه ۲: ۶۶)

اصول علم معرفة الارض: ملی ۱۰۱۶ (۱۶: ۳)

پاتولوژی: از شلیمر، ملک ۴۴۶۲، نشریه ۱۲: ۹۷

تاریخ استرالی: سلطنتی ۶

- تاریخ انگلستان: ملک ۴۳۴۱/۷
- تاریخ روسیه: ملک ۴۳۴۰، ۱/۳۹۶۱
- تاریخ روم و عثمانی: ملک ۷۰۰، ۷۰۸
- تاریخ عربستان و روم: ملک
- تاریخ عثمانی از محمد راشد افندی، ترجمه در ۱۲۹۶: سلطنتی
- تاریخ عثمانی: مرکزی ۵۵۶۵
- تاریخ کریمه: ملک ۳۸۷۹
- تاریخ مراکش (کاشف الکروب): اصفهان ۱۳۵
- توب سازی: مرکزی ۴۸۱۹
- جغرافیای اروپا: ملک ۳۷۰۹
- جغرافیای جهان نما، از فلوغون رافائیل، ملک ۶۷۴، اصفهان ۷۸
- جغرافیای کشمیر: ملک ۶۷۹
- جنگ آلمان و فرانسه: سلطنتی ۴۱، ۲۳۶ ص ۹۱
- جنگ استریا: اصفهان ۲۳
- جنگ روس و عثمانی: ملک ۳۷۲۱، ۳۸۲۵، ۴۳۷۲
- جنگ روس و فتح ترکمن: اصفهان ۸۷
- حکمت طبیعی: ملی ۱۰۱۴
- حکمت و آفرینش ستارگان علم جدید، از زبان هندی، مرکزی ۳۹۷۶
- دزدان مالاقیا: اصفهان ۹۴
- دفتر خاطرات مونت پانسیه: نشر به ۳: ۱۶۰
- رئیمناستیک نظام از meechino: ملک ۲۹۲۳
- سفرنامه دکتر پلاتنک به حبشه: ملک ۴۱۷۰
- سفرنامه کاپیتان هنرس به قطب شمال
- سفرنامه مسیو هوک به تبت و تاتار: ملک ۳۷۳۸
- شفایه، از شلیمر: ۵۰ مرکزی ۵۰۱۸
- شیمی، در ۱۲۸۴: (الهیات مشهد ۱: ۴۲۲)
- شیمی، در ۱۳۰۳: ملی تبریز ۳۴۷۲
- عقاید جمهوری طلبان فرانسه، از رونژ بروکه: اصفهان ۱۲۶
- علم حکمت طبیعی چاپ ۱۲۷۶
- فیزیک: الهیات مشهد ۱: ۴۲۲
- قانون اساسی عثمانی، ترجمه در ۱۲۹۳: مرعشی ۸۱۲۲
- کشاورزی: از مکیان دوفه (؟) در ۱۲۸۳ (چاپ شده با نجم الدوله): ملی ۱۰۹۹



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

ماینیزم، از مشعر نسوی: رشت ۱۳۴

معدن شناسی و معرفة الارض، از جان لیویس شلیمر، در ۱۲۷۱: ملی ۳: ۸۷

مکتشفان و مخترعان: الهیات مشهد ۱: ۴۲۲

منتخب التواریخ از هوتوم شیندلر، ملک ۳۶۱۲

نقشه کشی بپلر، ملک ۲۳۲۶

وضع حالیه ولایات حلب و بغداد، اصفهان ۳۵۶

هیأت تحقیقات

پیوست ۴ - دارالترجمه، ترجمه و ناصرالدین شاه (از روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه)

۱۲۹۲

۲ شعبان - در خانه کتابی میرزا علیقلی ترجمه کرده بود حضور بردم پنجاه تومان انعام گرفتم

۱۲۹۹

۱۸ محرم - میل مبارک در عالم به سه چیز است شکار و روزنامه و کتب فرانسه و سنگ معدن

۱۳۰۰

۲۱ محرم - ... بعد اتباع وزارت انطباعات و دارالترجمه و کتاب و تألیف که غالباً علما و فضلا هستند از حضور گذشتند. به همه اظهار التفات نمودند به خود من هم اظهار التفات کردند.

۲۰ ذی الحجه - امروز افتتاح مجلس دارالترجمه است. در بالاخانه سابق کشیکخانه جنب تخت برمر حسب الامر شاه من مجلس ترتیب دادم که خیلی مفصل خواهد شد. انشاء الله. امین الدوله خودشان آمدند افتتاح نمودند... بعد حضور شاه رفتم. شاه خیلی تأکید و فرمایشات فرمودند. از فردا قرار شد حضرات بیایند و مشغول باشند.

۲۹ ذی الحجه - تشکیل دارالترجمه اسباب وحشت وزیر [میرزا سعید خان] شده بود. مانع بود مترجمین دستگاه وزارت خارجه بیایند. من هم سخت ایستادم. به حکم شاه آنها را بردم. وزیر امروز عریضه شکایت نوشته بود. شاه جواب تندی به وزیر داد که حکماً باید مترجمین دارالترجمه بروند.

۱۳۰۱

۲۶ محرم - پیاده دارالترجمه رفتم. مدتی آن جا نشستم. حضرات مترجمین را حضار کرده تا کتابچه های ترجمه شده به حضور ببرم... بعد از ناهار مترجمین را حضور بردم خیلی پسند فرمودند

۴ ربیع الاول - بیست و دو جلد کتاب ترجمه شده بود حضور شاه بردم.

۱۲ ربیع الثانی - اجزاء دارالترجمه را خدمت شاه بردم.

۱۳ جمادی الاولی - مترجمین لباس تازه خود را که همه ماهوت آبی و یک رنگ است پوشیده بودند حضور بردم خیلی اظهار التفات فرمودند

۱۵ جمادی الاولی - دویست و پنجاه تومان به مترجمین انعام مرحمت فرمودند.

۵ رجب - بیست و پنج جلد کتاب ترجمه شده بردم.

۲۴ رجب - پسر استاد ابراهیم زرگر [ارمنی یعنی اوانس خان] را که فرنگ رفته بود و تحصیل کرده است حضور بردم

جزو دارالترجمه کردم.

۲۳ شعبان - صبح میرزا فروغی از شهر آمده بود سی و شش کتابچه ترجمه دارالترجمه را آورده بود.

۷ ذی قعدة - سی و شش کتابچه ترجمه دارالترجمه را که از شهر آورده بودند به نظر رساندم خیلی تمجید فرمودند.

۱۳۰۲

۱۹ صفر - اجزاء مجلس تألیف را آن جا حاضر کردم بعد خدمت شاه رسیدم... بعد از ناهار حضرت را به حضور بردم.

شاه به هر یک اظهار التفات فرمودند. هیچ معلوم نشد احضار حضرات چه بود.

۲ ربیع الاول - مترجمین را با کتابچه های ترجمه شده حاضر کرده که حضور بیرم... بعد از ناهار مترجمین را حضور بردم

با سی کتاب که ترجمه کرده بودند. شاه خیلی التفات کردند.

۷ ربیع الثانی - صبح دارالترجمه رفتم به جهت این که کتابهای ترجمه شده را حضور شاه بیرم. حاضر نبود.

۲۸ جمادی الاول - سی بجلد کتاب ترجمه دارالترجمه را حضور شاه بردم.

۹ جمادی الآخره - اما در باب مخارج دارالترجمه فرمودند من پارسا مبالغی انعام دادم دیگر مخارج چرا بدهم. الحق امین

الدوله هم زیاد حرف زده بود. آخر به این قرار گرفت که با وزیر بنشینید و به طوری که چندان ضرر دیوان نباشد قراری

بدهید. این تفصیل را حکیم الممالک به من گفت خیلی اوقاتم تلخ شد. سلطان عثمانی سالی سه هزار لیره که نود هزار

تومان است خرج یک روزنامه فرنگی می کند شاه از دادن دوست تومان اکراه دارد.

۱۳۰۳

۲۳ ربیع الاول - از دم دارالترجمه عبور فرمودند با مترجمین تکلم فرمودند.

۱۱ ربیع الثانی - بعد از ناهار اجزای مجلس تألیف و اجزای دارالترجمه را حضور بردم. خیلی به من التفات فرمودند و با

حضرات صحبت داشتند.

۱۷ شعبان - شاه امروز مترجمین را احضار فرمودند. قریب بیست نفر بودند حضور بردم. خیلی مطبوع طبع مبارک شدند.

به همه التفات فرمودند. جای هر سال چادر زده ام عارف و بکمز هم همراه بودند.

۱۳۰۵

۲۸ جمادی الثانیه - دوست تومان به اجزای دارالترجمه انعام مرحمت شد.

۲ ذیقعدة - هفده سال قبل سر همین چشمه ریاست مترجمین به من داده شد.

۶ ذیقعدة - کتاب ترجمه اوانس خان را تقدیم کردم.

۱۳ ذیقعدة - صبح اوانس خان را که صد تومان برایش انعام گرفتم طرف شهر فرستادم.

۱۳۰۷

۲۶ رجب - مترجمین را خدمت شاه بردم یک صد تومان به آنها مرحمت شد.

۱۳۰۸

۳۰ جمادی الثانیه - دارالترجمه رفتم کتابهای شاه را حاضر کرده بودند حضور بردم. پست فطرتی از این عملة خلوت دیده

شد در دزدی کتاب و چو که به نوشتن نمی آید. اما کتابها کلیه مطبوع خاطر مبارک واقع شد.

۱۳۰۹

۱۹ شعبان - پیاده دارالترجمه رفتم - مترجمین را شاه احضار فرموده بودند. تا چهار به غروب مانده منتظر شدم آنها را

به حضور بردم. علی الرسوم انعامی هم به جهت آنها گرفته شد. خلق هما یون چندان تعریفی نداشت.

۱۳۱۰

۲۳ ربیع الثانی - امروز شنیدم به جهت محمد طاهر میرزا پسر اسکندر میرزا که کتاب فرانسه از برای شاه ترجمه کرده ماهی صد تومان مواجب...

۶ جمادی الاولی - کاغذی به آغا محمد خان خواجه نوشتم شکایت از این که شاه چرا به من تألمات روحی می دهند. سالی هزار تومان از جیب خودم مخارج دارالترجمه می کنم ده سال متحمل این مخارج بلاعوض هستم. البته متجاوز از هزار کتاب و کتابچه در این مدت دادم. باز کتاب می دهند به محمد طاهر میرزا که به قدر شاگرد من نمی فهمد ترجمه کند. کاغذ را آغا محمد خان به شاه داده بود. بعضی پیغامات دلجویی به توسط خود او به من داده بودند.

۲۹ شعبان - اجزاء دارالترجمه را هم به حضور برده بعد از ناهار شاه خانه آمد.

۲ رمضان - امروز صبح دارالترجمه رفتم که آنجا را حاضر کنم. چون دیروز فرمایش شده بود که به سلام سر در خواهند نشست. لامحاله تمیز و قابل پذیرایی شاه باشد.

۱۳۱۱

۲ رمضان - جلد اول کتاب شرح حال مادموازل مونت پانسیر را که حسب الامر ترجمه کرده بودم دیروز به حضور فرستاده بودم خیلی پسند فرموده بودند.

۱۲ رمضان - مترجمین دارالترجمه را که سالی یک بار به حضور می روند غالباً در این موقع سال\* است که حضورشان می برم و پنج به غروب مانده مراجعت به خانه شد.

۱ شوال - امروز صبح به دارالترجمه رفتم. معلوم شد که بندگان هما یون به سلام سر در که موضع دارالترجمه است، تشریف خواهند آورد.

۲۴ ذی القعدة - جلد دوم مادموازل مونت پانسیر را که با کنویس و مجلد شده بود و من ترجمه کرده ام به حضور فرستادم.

۳ ذی الحجه - چند روز است که دارالترجمه نمی روم - چند چیز مانع است. یکی بیله و اصرار میرزا علی خان نائینی\* که یک وقتی با من بوو و حالا کتابی منظوم در تفصیل... بادکوبه نوشته و چنین تصور می کند که باید دنیا و آخرت به او سجده کند و کتابش را به من داده بود به نظر برسانم. اقلأ هزار تومان انعام و لقب و منصب برای او استدعا بشود. به نظر شاه هم رساندم ابدأ محل اعتنا نشد. دیگر میرزا علی خان مترجم الممالک است که خیالات چرسی او را بر این داشته است که چرا برادر کوچکش آقا بالاخان سردار شده و صاحب کرورها مکنت و او بی چیز است. به یک جهت حق دارد اما به من چه. دیگر پسر وکیل آقای مرحوم است... به این جهات به دارالترجمه کمتر می روم.

۱۳۱۲

۱۳ جمادی الثانیه - بندگان هما یون تاریخ مفصل مملکت فرانسه را می خواهند ترجمه بشود. مترجمین را احضار فرموده بودند. در این بین اجزای مجلس تألیف را هم ضمیمه کرده به حضور بردم.

۱۳۱۳

۱۰ ربیع الثانی - جلد ششم ترجمه مونت پانسیر که از دست کاتب بیرون آمده بود با عریضه به حضور فرستادم که در سر

\* یعنی ۲۸/۲۹ اسفند

♣ یعنی صفاء السلطنه که بعدها عضو وزارت خارجه شد و از مترجمان دوره ناصری ست

ناهار مجید آباد به نظر رسیده بود. در جواب عریضه دستخطی مبنی بر کمال التفات مرقوم داشته بودند.

۲۰ جمادی الاولی - بعد از این، مختصر فرمایش مقرر داشتند اندرون روم و در تمام کتابخانه اندرون جستجو کنم آنچه کتاب ترجمه از السنه به فارسی است علی حده گذارم. یک روز تمام مشغول شدیم یک صد و هفتاد جلد کتاب خارج کردیم و علی حده گذاشتیم.

۲۷ جمادی الاولی - مشغول ترجمه کتاب شاه بودم و امروز ترجمه شرح حال مادموازل مونت پانسیر که جلد هفتمش باشد به اتمام رسید.

#### پیوست ۵ - کتابشناسی اهم نوشته های مربوط به ترجمه

- افشار ایرج، فهرست مقالات فارسی، جلد ۵، تهران، ۱۳۷۴، ص ۳۹۳-۳۹۵.
- آرین پور یحیی: «دارالفنون: ترجمه و تألیف کتابهای درسی». از صبا تا نیما. تهران، ۱۳۵۰، ص ۲۵۹ به بعد.
- پورجوادی، نصرالله (زیر نظر): «(در باره ترجمه)» (مجموعه مقالات)، تهران، ۱۳۶۵.
- تقی زاده، سید حسن: «(چه نوع کتبی باید ترجمه شود)»، مقالات تقی زاده، به کوشش ایرج افشار، تهران، جلد سوم، ۱۳۵۱، ص ۱۹-۲۲.
- دانش پژوه، محمد تقی: «نخستین کتابهای فلسفه و علوم جدید در ایران»، مجله نشر دانش، ۲ (۱۳۶۰) ش ۲: ۸۸-۱۰۱.
- طوسی، بهرام: نظری اجمالی به تاریخ ترجمه در ایران، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۳۳ (۱۳۷۹) ۳۲۵-۳۳۶.
- فشاهی، محمد رضا: «نهضت ترجمه در عهد قاجاریه». مجله نگین، ش ۹۹ (مرداد ۱۳۵۲)، ۱۸-۲۵ و ۵۸ و ش ۱۰۰: ۲۹-۳۳ و ۵۵-۵۸.
- کیافر، جمشید: «ترجمه در عهد قاجار از آغاز تا دوره ناصرالدین شاه». مجله نشر دانش، ۱۰ (۱۳۶۸) ش ۱: ۲۳-۲۸.
- مجله مترجم (دوره) صاحب امتیاز و مدیر مسؤول و سردبیر دکتر علی خزاعی فر. مشهد. از سال ۱۳۷۱ تا پایان زمستان ۱۳۷۷ بیست و هشت شماره منتشر شده است و حاوی مقالاتی است که برای تاریخ ترجمه مفید است.
- محبوبی اردکانی، حسین: «ترجمه کتب اروپایی»، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. تهران، ۱۳۵۴، جلد اول، ص ۲۲۴-۲۲۹.
- ملک پور، جمشید: «نهضت ترجمه و اقتباس نمایشنامه در ایران». ادبیات نمایشی در ایران. تهران، ۱۳۶۳، جلد اول، ص ۳۰۳-۳۷۵.
- مینوی، مجتبی: «(در باره ترجمه به فارسی)». جشن نامه پروین گنابادی. تهران، ۱۳۵۴، ص ۴۲۱-۴۴۲.
- یاسمی، علامرضا (رشید). «ترجمه و تألیف رمان». ادبیات معاصر، چاپ دوم. تهران، ۱۳۵۲، ص ۱۰۹-۱۱۳.
- Balay, Christopher: *La geneire du Roman Persan moderne*, Tehran, 1998 (tranduction): 41-75.